

نخستین دور از گفت‌وگوهای میان ایران و ایالات متحده آمریکا، بر سر برنامه هسته‌ای ایران عصر شنبه، ۲۳ فروردین با میانجی‌گری عمان در مسقط، پایتخت، به پایان رسید. «همین خبر کوتاه تقریباً بازارهای اصلی سرمایه را در ایران دستخوش تغییرات بسیار کرد. بالاخره شنبه موعود آمد؛ اولین دور از مذاکرات میان آمریکا و ایران در عمان پس از حدود دو ساعت و نیم به پایان رسید. هرچند نمایندگان دو کشور در مسقط حضور داشتند، اما این مذاکرات به صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری مقامات عمان انجام شد و روسای هیات ایرانی و آمریکایی برای دقایقی با یکدیگر گفت‌وگو کردند. این مذاکرات قرار است هفته آینده ادامه یابد. با این حال، در شرایطی که تنش‌ها میان ایران و آمریکا آرام نگرفته و خواسته‌های طرفین ضدونقیض است، هنوز روشن نیست مذاکرات چگونه پیش رود و چه نتیجه‌ای در پی داشته باشد.

واکنش فوری بازارها

اما در نهایت سرزوشت مذاکرات در هفته‌های آتی و راند بعدی آن در روز شنبه ۴۰ اردیبهشت هرچه باشد، ارزش ریال ایران در نخستین روز کاری از آخرین هفته فرودین ماه تقویت شد و قیمت هر دلار آمریکا در پایان مذاکرات به ۹۴ هزار تومان افت کرد. این در حالی است که دلار آمریکا روز جمعه بالای ۱۰۰ هزار تومان بود و هفته گذشته نیز تا رقم ۱۰۶ هزار تومان افزایش یافت. برخی پیش‌بینی‌ها نیز چنان بود که در صورت مخیره اخبار مثبت از مذاکره، دلار حتی ممکن است از ۹۰ هزار تومان پایین‌تر بیاید. وضعیت مذکور اوضاع را به نفع بورس تهران رقم خواهد زد. شاخص کل بورس تهران نیز با شروع مذاکرات عمان سبز شد و با رشد ۱۵ هزار واحدی در پایان معاملات روز شنبه به دو میلیون و ۸۴۵ هزار واحد رسید. قیمت طلا در ایران هم برخلاف بازارهای جهانی شاهد کاهش بود، به طوری که هر سکه امامی که تا پیش از این ۱۰۰ میلیون تومان معامله می‌شد، در روز شنبه به حدود ۹۰ میلیون تومان افت کرد.

در عمان چه گذشت؟

در همین حال، بر اساس بیانیه وزارت امور خارجه ایران، عباس عراقچی و استیو ویتکاف، نمایندگان ایران و آمریکا، در این نشست مذاکراتی خود را به صورت غیرمستقیم و از طریق وزیر خارجه عمان با یکدیگر تبادل کردند. بر اساس این بیانیه، گفت‌وگوها در فضایی «سازنده و محترمانه» انجام شده و دو طرف توافق کرده‌اند مذاکرات در هفته آینده ادامه یابد. دقایقی پس از پایان این مذاکرات، عباس عراقچی در گفتگویی با تلویزیون جمهوری اسلامی، اعلام کرد که طرفین شنبه هفته آینده بار دیگر مذاکرات را در مسقط از سر خواهند گرفت. وزیر خارجه جمهوری اسلامی همچنین در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به «سازنده» خواندن مذاکرات اضافه کرد که ۴ بار با رفت‌وآمد طرف عمانی بین طرف ایرانی و آمریکایی تبادل پیام انجام شد. عراقچی ملاقات مستقیم با استیو ویتکاف را هم تأیید و تأکید کرد که در پایان مذاکره، دقایقی با نماینده ویژه ترامپ در این مسئله گفت‌وگو کرده است. عراقچی همچنین اضافه کرد که طرفین توافق کرده‌اند که شنبه هفته آینده درباره چارچوب‌های کلی یک توافق گفت‌وگو کنند. وزیر خارجه ایران در ادامه اشاره کرد که دور بعدی مذاکرات طرفین یک جدول زمانی خواهند داشت. عراقچی همچنین تأکید کرد که در این دور نخست، طرفین به آنچه او «مبنای مذاکراتی» نامید نزدیک شده‌اند. دقایقی پس از پایان این مذاکرات، بدر البوسعدی، وزیر خارجه عمان در پستی در شبکه توئیتر از فضای دوستانه و مناسب مذاکرات میان نمایندگان ایران و آمریکا گفت. دیپلمات عمانی در این خصوص نوشت: «با عت افتخار من است که امروز در مسقط میزبان عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا بودیم و میانجی‌گری برای آغاز روند گفت‌وگو و مذاکرات را با هدف مشترک دستیابی به توافقی عادلانه و الزام‌آور انجام دادیم.»

فرصت‌ها و تهدیدها

در این بین باید توجه داشت که برای هر دو طرف فرصت دستیابی به توافق محدود است. منابع آمریکایی، اسرائیلی و غربی می‌گویند ترامپ مسئول ۶۰ روزه تعیین کرده و ممکن است همانطور که پیش از این باره تهدید کرده، به سمت گزیننه نظامی برود. اما آن چه او به آن توجه نمی‌کند این است که با این فرایند دستیابی به برجام دو سال به طول انجامید و ترامپ بدون توجه به این حقیقت از گزینه نظامی سخن می‌گوید. آکونومیسست در همین باره خبر داد که اعزام بمب افکن‌ها و ناوهای هواپیمابر به منطقه، گرچه پیام تهدید را منتقل می‌کند، اما نگهداری این سطح از آمادگی نظامی پرهزینه و ناپایدار است و ترامپ اتفاقاً تاجری است که به هزینه‌های هر جنگ به خوبی واقف است و باز باید توجه کرد که عقب‌نشینی زود هنگام آمریکا ممکن است به تهران نشانه‌ای از ضعف و به اسرائیل چرخ سبز برای اقدام یک جانبه بدهد.

حسین راغفر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بدون اصلاحات ساختاری

نمی‌توان از بحران اقتصادی

بیرون آمد



با وجود نهادهای انحصاری در اقتصاد کشور امکان سرمایه‌گذاری

بخش خصوصی منتفی است

آرمان ملی - حمید شجاعی؛ در همه دولت‌های نظام جمهوری اسلامی، اقتصاد از جمله موضوعات پرحاشیه بوده که در مواردی به پاشنه آشیل دولت‌ها هم تبدیل شده است. حتی در طلایی‌ترین دوران نظام یعنی دولت اصلاحات که بهترین شرایط اقتصادی بر جامعه و مردم حاکم بود نیز بعضاً شاهد نارسایی‌ها و خلأهایی بودیم. این در حالی است که طی سال‌ها و دهه‌های گذشته مسائلی چون تحریم، عدم برنامه‌ریزی، مدیریت و کارآمدی کارگزاران موجب شده تا اقتصاد کشور روزیبه‌روز دچار مشکلات مختلف و عدیده‌ای گردد و تا تأثیرات مستقیمی بر زندگی و معیشت مردم بگذارد. در چنین شرایطی دولت‌های مختلف با مسکن‌هایی همچون کالابری یا یارانه خواسته‌اند تا نسبت به بهبود شرایط اقتصادی جامعه قدم بردارند؛ اما این مسکن‌ها نیز نتوانسته‌اند طور که باید تأثیر تعیین‌کننده در وضعیت



اقتصادی جامعه داشته باشد. آن هم در شرایطی که شاهد افزایش لجام گسیخته قیمت‌ها در حوزه‌های مختلف به ویژه بازارهای سرمایه‌ای از قبیل ارز، سکه و طلا بوده‌ایم. در چنین شرایطی اقتصاددانان و کارشناسان بر این عقیده‌اند که میدان دادن به بخش خصوصی، برداشتن انحصار از اقتصاد کشور و ایجاد شرایط برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌تواند تأثیرات بسزایی به بهبود و گشایش در اقتصاد کشور داشته باشد. هرچند که این روزها مساله مذاکرات میان ایران و آمریکا و تأثیرات آن بر بازارهای سرمایه‌ای باعث شده تا همه آذهان معطوف مذاکرات مسقط باشد و باید دید در نهایت تکلیف این مذاکرات و تأثیرات آن بر شرایط اقتصادی ایران چه خواهد شد. در همین راستا «آرمان ملی» با حسین راغفر اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

با توجه به وضعیت نه چندان مطلوب جامعه به لحاظ معیشتی و رشد لجام گسیخته قیمت‌ها علل و عوامل شکل‌گیری این مشکلات اقتصادی را چه می‌دانید؟

دلایل شکل‌گیری با بروز بحران اقتصادی در کشور به نظرم خیلی روشن است و بخش قابل توجهی از این مسائل به موضوعات غیر اقتصادی از قبیل سیاست و... گره خورده است. برخی سیاست‌ها موجب شده که منابع کمتری در خدمت کمک به اقتصاد باشد و به همین دلیل در بسیاری از حوزه‌ها سرمایه‌گذاری‌ها به شدت کاهش پیدا کرده است و این سبب شده که این فشارها روی معیشت و زندگی مردم خودش را بیش از پیش نشان داده است. یاره‌ای تعهدات موجب شده که هزینه‌ها را روی دست مردم باقی بماند و هزینه‌های بیشتری متوجه جامعه، حاکمیت و دولت باشد. به موازات این مسائل نظام اقتصاد مان هم دچار مشکلات جدی شد و به هر صورت نتوانست آنگونه که باید بتواند یک نظام اقتصادی پویا و فعال دهد تا دولت بتواند با اخذ مالیات از فعالیت‌های اقتصادی مخارج بخش عمومی را تأمین کند. در بسیاری از نقاط دنیا هستند کشورهایی که نه نفت برای فروش دارند و نه وابسته به فروش منابع طبیعی خود هستند و منابع کافی هم ندارند، ولی نسبت به تأمین مخارج عمومی‌شان از طریق توجه به نظام مالیاتی توانسته‌اند مشکلات جامعه را مرتفع کنند. این یک نکته بسیار کلیدی است که طی سال‌های پس از جنگ تحمیلی نظام مالیاتی کشور رشد نکرد و با کمک تاסף از سال‌های دهه ۸۰ شمسی دامنه مشکلات وسعت یافت که از جمله آنها باید به رشد بانک‌های به اصطلاح خصوصی اشاره کرد که این‌ها عمدتاً هم بانک‌های خصوصی بوده‌اند. بانک‌هایی هستند که مسائلی خاص خودی ولی ماهیتاً وابسته به بخش‌های عمومی هستند. اینها یکی از اصلی‌ترین دلایل تخریب یک اقتصاد تولیدی بودند و در کنار مشکلاتی که به وجود آمد، یک نظام بانکی متاسفانه تخریبی هم شکل گرفت و این نظام بانکی خودش امروز یکی از اصلی‌ترین عوامل تشدید مشکلات اقتصادی و بحران است و حتی می‌توان گفت تبدیل به غده سرطانی در اقتصاد کشور شده است. اگر نظام مالیاتی در چنبره قدرت لایه‌های پرنفوذ باشد، دیگر عملاً کارکرد مناسب و لازم را برای اقتصاد کشور نمی‌تواند داشته باشد. به همین دلیل اینها نهاد‌های بسیار کلیدی و اساسی در اقتصاد کشور هستند و ما متاسفانه شاهدیم که این نهادها آنگونه که باید کار نمی‌کنند. همه این مجموعه عوامل موجب شده که امروز با خلأهای بزرگی در ساختار اقتصادی کشور روبه‌رو باشیم.

از دیدگاه شما چه فرصت‌هایی برای خروج از شرایط فعلی اقتصادی کشور وجود دارد؟
من فکری نمی‌کنم هنوز می‌توانیم انتظار فرصت‌های زیادی برای اصلاحات و خروج از تنگنای اقتصادی را داشته باشیم و می‌توانیم واقعاً بر این شرایط غلبه کنیم منتها همان‌طور که گفتیم الزاماتش خیلی ساده نیست. الان بیش از یک دهه است که مساله افزایش تولید را مطرح می‌کنیم، اما هر سال دقیقاً به مساله تولید پایبند نبوده و نیستیم. هر چند که یکی از آن الزامات این است که این تولید باید توسط بخش خصوصی صورت بگیرد. به عبارت دیگر دولتی که تا این حد رفتار مسائل متعدد داخلی و خارجی است، علی‌الاصول بایستی از ظرفیت‌های بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری استفاده کند، اما متاسفانه این ظرفیت‌ها تا حدود زیادی مستهلک شده است. حالاً ما بیش از ۲۰ سال، حدود ۲۵ سال است که فرار سرمایه از کشور داریم. علت فرار سرمایه حضور این‌لایه‌های انحصارگر است که در ساختار اقتصاد کشور ایجاد شده و فضای کسب و کار را در کشور محدود و غیر رقابتی کرده است. اولین اقدام اصلاحی که باید صورت گیرد رفع انحصارهایی است که در اقتصاد کشور وجود دارد و بدون آن، یعنی بدون خروج این بخش‌ها از اقتصاد کشور امکان اصلاحات بعدی منتفی است. به نظر من این اصلی‌ترین گامی است که حاکمیت باید بردارد و این خارج از اراده و توانایی دولت است و حتی نهاد‌های

دیگر حاکمیتی مثل مجلس و حتی قوه قضائیه در کنار دولت باید به انجام این اصلاحات همت کنند. بنابراین یک عزم سیاسی قدرتمندی لازم هست تا بتواند تا حدودی این وضعیت را تغییر بدهد. در غیر این صورت هیچ اصلاحی امکان‌پذیر نیست. چون با وجود و حضور بخش‌های قدرتمند و صاحب سرمایه که به شدت انحصارگر هستند امکان بازگشت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی منتفی است و امکان ندارد که این‌ها را متقاعد کرد که به اقتصاد بازگردند. بسیاری از اینها سرمایه‌های خود را از کشور خارج کردند ولی اقتصاد ایران هنوز فرصت‌های بسیار بزرگی دارد و برای سرمایه‌گذاری بسیار جذاب است. برای متحول کردن وضعیت، بهتر است ابتدا برای سرمایه‌گذاران داخلی فضا فراهم شود. اگر حضور آنها در اقتصاد کشور موفق باشد، نشانه معیشتی است که سرمایه‌گذاران خارجی هم می‌توانند در این اقتصاد موفق باشند.

برای جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری در کشور چه باید کرد و چه اقداماتی را باید انجام داد؟

اینکه می‌فرمایید چه کار باید کرد، به نظرم در گام اول خروج از شرایط انحصارگری لایه‌ها و بخش‌های قوی است که جلو فعالیت بخش خصوصی را گرفته‌اند. این یک الزام اولیه برای اصلاح اقتصاد کشور و زمینه‌ساز بازگشت سرمایه‌هایی است که طی این مدت از کشور خارج شده‌اند و ضمناً هم فرصت‌های سرمایه‌گذاری را از کشور دریغ کرده‌اند. اول باید بتوانیم برای بازگشت سرمایه‌ها فضای کسب و کار را به یک فضای رقابتی تبدیل و دست انحصارگرها را کوتاه کنیم که البته این مهم در اختیار دولت نیست. با اینکه دولت علاقه‌ای ندارد خود را با این‌لایه‌ها درگیر کند. حتی اگر دیدیم نگاه کنیم، شاید ترکیب و تلفیق توان هر سه قوه هم نتواند چنانچه باید دست این بخش‌ها را از اقتصاد کوتاه کند. گویی یک اراده سیاسی قوی‌تری لازم است تا این اصلاحات اساسی را شروع کند. آغاز چنین تلاشی می‌تواند نشانه مهمی باشد برای نزدیک شدن به فضای بهتر و رقابتی تر جهت کسب و کار تا کمک کند بخش خصوصی و صاحبان سرمایه به این فضا بازگردند. بدون حضور آنها در اقتصاد کشور امکان حل مسائل منتفی است. گام دوم اصلاح نظام مالی است؛ به نحوی که از فعالیت‌های سوداگرانه مثل سهام و بازی‌هایی که در کشور راه افتاده، مثل خرید و فروش سکه و ارز و اینها مالیات‌های کافی اخذ شود. به نحوی که این دسته از فعالیت‌ها جاذبه‌های اقتصادی خود را از دست بدهند. در آن صورت می‌توان بخشی از این درآمدهای مالیاتی را مصروف توسعه فعالیت‌های تولیدی و تولید صنعتی کرد. این اتفاقی است که امروزه در دنیا رخ می‌دهد و در کشورهای صنعتی از فعلین اقتصادی و از تولیدکننده‌ها حمایت‌های جدی صورت می‌گیرد، به صورت یارانه دستمزد یا یارانه تحقیق و توسعه. به نظر من این اقدامی است که قطعاً در داخل کشور خودمان هم بایستی که صورت بگیرد. گام بعدی هم اصلاحات نظام بانکی است که نظام بانکی ما باید بتواند تأمین‌کننده سرمایه‌های مورد نیاز بخش تولید در کشور باشد و از آنها پشتیبانی و حمایت کند که در شرایط کنونی چنین چیزی وجود ندارد. این دسته از اصلاحات می‌توانند کمک کنند به اینکه ما بتوانیم بر این وضع اقتصادی و بحران کنونی غلبه کنیم و منتها این اصلاحات؛ اصلاحات کوچکی نیستند و شدیداً هم متاثر از شرایط سیاسی منطقه و داخل کشور است.

حدود ۲۵ سال است که فرار سرمایه از کشور داریم. علت فرار سرمایه حضور لایه‌های انحصارگر است که در ساختار اقتصادی کشور ایجاد شده و فضای کسب و کار را محدود و غیر رقابتی کرده است

دیگر حاکمیتی مثل مجلس و حتی قوه قضائیه در کنار دولت باید به انجام این اصلاحات همت کنند. بنابراین یک عزم سیاسی قدرتمندی لازم هست تا بتواند تا حدودی این وضعیت را تغییر بدهد. در غیر این صورت هیچ اصلاحی امکان‌پذیر نیست. چون با وجود و حضور بخش‌های قدرتمند و صاحب سرمایه که به شدت انحصارگر هستند امکان بازگشت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی منتفی است و امکان ندارد که این‌ها را متقاعد کرد که به اقتصاد بازگردند. بسیاری از اینها سرمایه‌های خود را از کشور خارج کردند ولی اقتصاد ایران هنوز فرصت‌های بسیار بزرگی دارد و برای سرمایه‌گذاری بسیار جذاب است. برای متحول کردن وضعیت، بهتر است ابتدا برای سرمایه‌گذاران داخلی فضا فراهم شود. اگر حضور آنها در اقتصاد کشور موفق باشد، نشانه معیشتی است که سرمایه‌گذاران خارجی هم می‌توانند در این اقتصاد موفق باشند.

دیگر حاکمیتی مثل مجلس و حتی قوه قضائیه در کنار دولت باید به انجام این اصلاحات همت کنند. بنابراین یک عزم سیاسی قدرتمندی لازم هست تا بتواند تا حدودی این وضعیت را تغییر بدهد. در غیر این صورت هیچ اصلاحی امکان‌پذیر نیست. چون با وجود و حضور بخش‌های قدرتمند و صاحب سرمایه که به شدت انحصارگر هستند امکان بازگشت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی منتفی است و امکان ندارد که این‌ها را متقاعد کرد که به اقتصاد بازگردند. بسیاری از اینها سرمایه‌های خود را از کشور خارج کردند ولی اقتصاد ایران هنوز فرصت‌های بسیار بزرگی دارد و برای سرمایه‌گذاری بسیار جذاب است. برای متحول کردن وضعیت، بهتر است ابتدا برای سرمایه‌گذاران داخلی فضا فراهم شود. اگر حضور آنها در اقتصاد کشور موفق باشد، نشانه معیشتی است که سرمایه‌گذاران خارجی هم می‌توانند در این اقتصاد موفق باشند.

آرمان ملی

ترامپ از آشفتگی بین‌المللی سود خواهد برد

دونالد ترامپ روز پنجشنبه با شعار همیشگی خود گفت که او به تنهایی به عنوان «معامله‌گر بزرگ» می‌تواند گرشکوچ را آزاد کند. او در شبکه اجتماعی Truth Social خود نوشته بود: «ایوان گرشکو عبدالرضا فرجی را د:

ادامه مذاکرات یعنی ۳۰ درصد راه را رفته‌اند

آمریکا باید اراده خود را برای رفع تحریم‌ها نشان دهد یک استاد حوزه ژئوپلیتیک در رابطه با دور نخست مذاکرات مسقط و حواشی این گفت‌وگوها، اظهار داشت: شخصاً این مذاکرات را مثبت تلقی می‌کنم. خبرهایی که به دست می‌رسد، نشان دهنده این است که روی مذاکرات هسته‌ای بیشتر تکیه شده است و هدف طرف ایرانی هم همین بوده است. یعنی ایالات متحده در این دوره اولیه، وارد گفت‌وگو با درخواست‌هایی در رابطه با مسائل موشکی و منطقه‌ای و جبهه مقاومت نشده است. طبیعتاً اگر این‌گونه باشد، مای‌توانیم یک ارزیابی نسبتاً مثبتی داشته باشیم و انتظار داشته باشیم که در آینده، زمان تعیین شده برای دور بعدی مذاکرات یا روندهای آتی، مشخص شود. عبدالرضا فرجی را با اشاره به اینکه دور بعدی مذاکرات هفته آینده ادامه خواهد داشت، عنوان کرد: این تأیید وقت نشان می‌دهد که هر دو طرف واقعا خواهان مذاکره هستند و صرفاً می‌خواهند بر مسأله هسته‌ای تکیه کنند و از آن نتیجه بگیرند، زیرا هر دو طرف نیاز به مذاکره دارند و باید تنش‌ها در منطقه کاهش یابد و درگیری رخ ندهد. اگر نکته‌ای که مطرح کردم، درست باشد و مذاکرات به هفته آینده موکول شده باشد، من معتقدم که ۳۰ درصد از مسیر را طی کرده‌اند. زبیر در مذاکرات ایران و ایالات متحده، این قسمت اول، قسمت مهمی بوده است. یکی از دلایلی که طرف ایرانی بر مذاکره غیرمستقیم اصرار داشت، این بود که نمی‌دانست درخواست‌های آمریکایی‌ها چیست. نگرانی وجود داشت که درخواست‌های آمریکایی‌ها شامل برچیدن برنامه هسته‌ای، مسائل موشکی و گفت‌وگو در مورد جبهه مقاومت باشد. این تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل تأکید کرد: حال که دور بعدی مشخص شده، به نظر می‌رسد که بر مسأله هسته‌ای تمرکز شده و موارد دیگر مطرح نشده است. این خود نشان دهنده این است که صحبت‌های آقای ترامپ که اخیراً انجام داده و دوباره تأکید کرده که تنها می‌خواهد ایران به سلاح هسته‌ای نرسد، صحبت‌های دقیقی بوده است. طبیعتاً آمریکایی‌ها در این رابطه وارد گفت‌وگو خواهند شد. ممکن است در طول مذاکرات آینده، اصلاً در رابطه با مسائل موشکی صحبت نکنند ولی ممکن است درباره برخی مسائل در خاورمیانه، مانند امنیت دریای سرخ نیز گفت‌وگوهایی داشته باشند که مثلاً ایران چگونه می‌تواند به کاهش تنش‌ها کمک کند. اما در حال حاضر، تمرکز روی مسئله هسته‌ای مثبت است و تصور می‌شود که مذاکرات ادامه پیدا خواهد کرد. این کارشناس سیاست خارجی ایران در پاسخ به این سوال که به نظر شما ترامپ امتیازاتی را در اختیار ایران قرار خواهد داد یا خیر، گفت: اگر ما دور اول را مثبت تلقی کنیم، نشان دهنده این است که در دوره‌های بعدی، دو طرف باید روی اعتمادسازی کار کنند تا اطمینان حاصل شود که ایران به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت و تحریم‌ها برداشته خواهد شد. برای این کار، یکی از موارد این است که ایران حاضر باشد غنی‌سازی ۶۰ درصد را کاهش دهد. اگر ایران حاضر باشد که غنی‌سازی ۶۰ درصد را پایین بیاورد، این بخش از مذاکرات طولانی خواهد شد و دو طرف روی میزان کاهش غنی‌سازی چانه‌زنی خواهند کرد. نکته بعدی مسئله تحریم‌هاست. ایران انتظار دارد که اگر مذاکرات در چند دور به جلو رفت و اعتمادسازی صورت گرفت، بخشی از تحریم‌ها کاهش یابد و طرف آمریکایی نیز اراده خود را برای رفع تحریم‌ها نشان دهد. با اشاره به اهمیت اقدامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روند مذاکرات پیش‌رو، اظهار کرد: آمریکایی‌ها انتظار دارند که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیشتر از این‌ها فعالیت و نظارت داشته باشد. فعالیت‌های هسته‌ای ایران در طول مذاکرات و سفر آقای گروسی به ایران در روزهای آینده بسیار مهم است. اگر آقای گروسی گزارشی مثبت ارائه دهد، نشان دهنده این است که بخشی از مذاکرات ایران و آمریکا هموار شده است. بنابراین، باید روی مسئله نظارت و بازرسی نیز چانه‌زنی صورت گیرد و توافق بین ایران و آژانس انجام شود که می‌تواند مدت زمان مذاکرات را کوتاه کند.

دور زدن اروپایی‌ها

فرجی را افزود: در کنار این موارد، ایران باید وارد گفت‌وگو با اروپا شود و گفت‌وگو با روسیه و چین نیز اهمیت دارد، زیرا تمامی این کشورها در گروه ۵+۱ قرار دارند. آقای ترامپ به نظر می‌رسد که می‌خواهد اروپایی‌ها را دور بزند که احتمالاً مورد اعتراض آن‌ها هم باشد، لذا ایران باید از تکرار اشتباهات گذشته خود با اروپا پرهیز کند و به آن‌ها نزدیک‌تر شود و گزارش دهد. همچنین ایران باید مسأله اسنپ‌بک را جدی بگیرد. در نهایت، تا زمان اسنپ‌بک باید بر سر کلیاتی با آمریکا به توافق برسد، تا اروپاییان با خیال راحت‌تر بتوانند مسأله تحریم‌ها و اسنپ‌بک را مسکوت بگذارند. این کارشناس ارشد روابط بین‌الملل خاطرنشان کرد: من پیش‌بینی می‌کنم که نهایتاً مذاکرات به سمت مستقیم شدن پیش خواهد رفت. حال سؤال این است که آیا دور بعدی در روز شنبه به صورت مستقیم خواهد بود یا خیر. به هر حال، در حال حاضر بحث‌های اولیه‌ای بین دو طرف با میانجیگری وزیر خارجه عمان صورت گرفته است. دو طرف به کشورهای خود بازمی‌گردند و گزارش‌هایی به سران کشورهای خود، چه ایران و چه آمریکا، ارائه می‌دهند. سپس آن‌ها تصمیم خواهند گرفت که آیا دور بعدی مذاکرات به صورت مستقیم باشد یا غیرمستقیم، اما به نظر من، احتمالاً مذاکرات به صورت مستقیم خواهد بود. این شناس وجود دارد، هرچند که قطعی نیست.